

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و صل الله علی سیدنا محمد وآله طاهرین

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِیْكَ الْفَرَجَ

در بیست و سومین روز از ماه مبارک رمضان هستیم و پیرو بحثی که در باب خطبه شعبانیه داشتیم رسیدیم به قسمتی که خاص حضرت امیرالمؤمنان سلام الله علیه بود. و دیروز در باب این که حضرت علی نفس پیغمبر هستند توضیح مختصری عرض شد. ادامه فرمایشات پیغمبر خطاب به امیرالمؤمنان سلام الله علیه این عبارات است:

إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَلَقَنِي وَإِيَّكَ ، وَأَصْطَفَانِي وَإِيَّكَ ، " من و تو را خداوند آفرید و من و تو را خدا برگزید.

این که خَلَقَنِي ، وَأَصْطَفَانِي مقدم آمده است. خَلَقَ ، أَصْطَفَا نسبت به پیامبر و حضرت علی علیه السلام، در واقع یک نوع بیان هم زمانی است. هر دو ما را خدا آفرید و هر دو ما را خدا برگزید. ما برگزیده های خدا هستیم. پس چه تفاوتی است بعد از این برگزیدن؟ "وَإِخْتَارَنِي لِلنَّبُوءَةِ وَإِخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ ، " بار نبوت را خدای متعال بر دوش من نهاد و مسئولیت سنگین امامت را برای شما برگزید.

"وَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَنِي نُبُوتِي " هر کس منکر امامت تو شود، در حقیقت نبوت من را انکار نموده است.

"يَا عَلِيُّ، أَنْتَ وَصِيِّي، وَأَبُو وُلْدِي ، وَزَوْجُ ابْنَتِي ، وَخَلِيفَتِي عَلِيٌّ أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي، " علی جان، تو وصی من هستی، پدر دو فرزند من، و همسر دختر من و جانشین من بر این امت در حیات و موت من، که این خیلی جالب است. چه در حیات و چه در موت. لذا در ایام بیماری پیامبر هم حضرت علی مأمور می شدند برای کارهای شخصی پیامبر، همچون اقامه نماز جماعت، اقدام بفرمایند.

"أَمْرُكَ أَمْرِي وَنَهْيُكَ نَهْيِي " فرمان تو، فرمان من است. نهی تو، نهی من است.

"أَقْسِمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ ، إِنَّكَ لَحُجَّةُ اللَّهِ عَلِيٌّ خَلَقَهُ، وَأَمِينُهُ عَلِيٌّ سِرَّهُ، وَخَلِيفَتُهُ عَلِيٌّ عِبَادِهِ " سوگند می خورم به آن کسی که من را مبعوث به نبوت کرد و من را بهترین مردمان قرارداد، که به یقین تو حجت

خدا بر خلق خدا هستی، امین اسرار الهی هستی، خزانه دار اسرار الهی هستی و خلیفه خدا بر بندگان هستی. این تعبیری که به این شدت بیان شده، هم از باب اتمام حجت است و هم از باب اخبار به محبینی که بیشتر با مقام اربابشان آشنا بشوند. معمولاً بین خلیفه و مستخلف عنف بین کسی که جانشین می شود و کسی که قبل از او بوده، بایستی یک تناسبی وجود داشته باشد. باستی یک تشابهاتی باشد که بتوان گفت این فرد، خلیفه آن فرد قبلی است. و روی همین جهت است که خلفا در این جهت تلاش کردند، عصمت پیغمبر را مخدوش کنند، زیر سؤال ببرند تا بین مستخلف و خلیفه بتوانند یک جوری ارتباط برقرار کنند. که حالا نمی خواهیم وارد این بحث بشویم. اما یکی از ویژگی های خاص پیامبر این است که پیامبر رحمه للعالمین هستند. که قرآن هم به این مطلب اشاره دارد که این ویژگی را در حدیث شریف لوح، برای صاحب الزمان ارواحنا فداه هم به کار برده اند. "وَأَكْمِلُ ذَٰلِكَ بِإِنِّهِ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً

لِلْعَالَمِينَ"^۱ یکی از نمونه های رحمه للعالمین پیامبر را، می گویند، وقتی بود که پیامبر مکه را فتح کردند و وقتی اصحاب می خواستند فریاد بزنند: امروز وقت انتقام است "الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَلْحَمَةِ" پیامبر مخالفت کردند با این ندای اصحابشان و امر کردند صدا بزنید: "الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَرْحَمَةِ"^۲ امروز روز رحمت و بخشایش است. فقط به عنوان یک نمونه و الگو از زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می کنیم، عزیزانی که بخواهند مطلب را مفصل پیگیری کنند، مراجعه کنند به بحار - جلد ۴۲ - صفحه ۲۸۷ به بعد و قبلش هم یک مقدار مطلب هست در باب وضعیت ابن ملجم

^۱ راویان حدیث لوح و منابع آن:

این حدیث نورانی را بزرگان زیادی در کتب روایی خود نقل کرده اند از آن جمله می توان به منابع زیر اشاره کرد:

۱. اصول کافی جلد اول صفحه ۵۲۷ و ۵۲۸ در باب: "بَابُ مَا جَاءَ فِي الْإِنْتِنَى عَشْرًا وَ النَّصِّ عَلَيْهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ"؛ شیخ کلینی متوفی ۳۲۹ هجری قمری. (کرب و بلا)

۲. الإحتجاج علی أهل اللجاج جلد اول صفحه ۶۷ در باب: "ذکر تعیین الأئمة الطاهره بعد النبی ص و احتجاج الله تعالی بمکانهم علی كافة الخلق" احمد بن علی طبرسی متوفی قرن ۶

۳. شیخ طبرسی متوفی ۵۴۸ هجری قمری در کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی در صفحه ۳۹۲.

۴. تاج الدین شعیری عالم قرن ششم هجری در کتاب خویش با عنوان جامع الأخبار در فصل هفتم از این کتاب تحت عنوان "الفصل السابع فی فضائل الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام" در صفحه ۱۷.

۵. مرحوم شیخ صدوق رحمه الله علیه متوفی ۳۸۶ هجری قمری در کتاب: عیون أخبار الرضا علیه السلام جلد اول از صفحه ۴۲ تا ۴۵ از باب "باب النصوص علی الرضا علیه السلام بالإمامه فی جملة الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام"؛

^۲ شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۲۷۲

مرادی لعنت الله تعالى عليه در حادثه شهادت. وقتی این خبیث را آوردند محضر حضرت علی علیه السلام، اول حضرت با خود او چند جمله ای صحبت نمودند. فرمودند: که من آیا بد امامی برای تو بودم؟ آیا به تو محبت نکردم؟ آیا به تو خوبی هایی نکردم؟ اشاراتی داشتند. اشارات آن چنان جانسوز بود که راوی نقل می کند چشمان ابن ملجم پر از اشک شد. بعد رو کردند به امام حسین علیه السلام، فرمودند که فرزندم به این اسیرت رحم کن، با او با شفقت و مدارا برخورد کن. نمی بینی چگونه چشمان او دارد در سرش دور می زند از شدت نگرانی و قلبش به تپش افتاده. به او ترحم کن. حضرت مجتبی عرضه داشتند: پدرجان این خبیث شما را به قتل رسانده. این فاجعه را ایجاد کرده، همه ما را به این مصیبت کشانده، بعد شما امر به مدارا می فرمایید؟ فرمودند که بله فرزندم "نَعَمْ يَا بُنَيَّ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَأَنْزَدَاكَ عَلَى الْمَذْنِبِ إِلَيْنَا إِلَّا كَرَمًا وَ عَفْوًا" ما خاندانی هستیم که نسبت به کسی که در حق ما ظلم کرده جز با عفو و کرم برخورد نمی کنیم. یعنی در عین اینکه این فرد چنین ظلمی را در عالم هستی پدید آورده باز لطف امیرالمؤمنین سلام الله علیه شامل حالش است. می فرمایند این شیوه اخلاقی ما اهل بیت است. بعد عبارت خیلی سنگین تری دارند:

حسن جان به حقی که من بر تو دارم، از تو می خواهم هر غذایی که خودت می خوری از او به این اسیرت هم بده. از هر نوع نوشیدنی که خودتان استفاده می کنید به او هم بدهید. دست و پای او را به زنجیر نبندید که اذیت بشود و نتواند راحت زندگی کند چندروز باقی مانده عمرش را. اگر من در این بیماری مُردم و خواستید قصاص کنید حق ندارید یک ضربه بیشتر بزنید، مبادا بدن او را مثله کنید، قطعه قطعه کنید که پیامبر اکرم فرمودند که: مثله کردن جایز نیست ولو نسبت به یک سگ مریض و بیمار. و اگر من زنده ماندم، من می دانم و او، و من او را عفو خواهم کرد "فَإِنْ عَفَوْتُ فَتَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَأَنْزَدَاكَ عَلَى الْمَذْنِبِ إِلَيْنَا إِلَّا كَرَمًا." اگر او را عفو کنم ما اهل بیتی هستیم که نسبت به کسی که گناه کرده است در حق ما جز عفو و کرم کاری و عکس العملی نشان نمی دهیم. این به هر حال رفتار کریمانه امیرالمؤمنین سلام الله علیه نسبت به دشمن و قاتل خوشان است. و جا دارد این جا یاد کنیم از شعر

زیبای شهریار: به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون، به اسیر کن مدارا

به هر حال بعضی از اشعار برخواسته از متن قرآن و حدیث است. و این شعری که جناب شهریار سروده که در بعد از موت او در خواب دیدند، در باغ بسیار بزرگی زندگی خوب و راحتی در برزخ دارد. وقتی از او پرسیدند از کجا بدست آوردی این امکانات را؟ گفت این باغ صله شعری است که من در شأن مولایم امیرالمؤمنین سلام الله علیه سروده بودم و

این صله را حضرت زهرا سلام الله علیها به خاطر آن اشعار به من عنایت فرمودند. امیدواریم ان شاء الله همه ما مورد لطف امیرالمؤمنین و همسر مظلومه ایشان صدیقه کبری سلام الله علیها قرار بگیریم و توفیق خدمت گزاری به آن بزرگوار را و فرزندان بزرگوارشان را داشته باشیم.

و السلام علیکم و رحمہ الله برکاته